

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال ششم (۱۳۹۵)، شماره چهاردهم

شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن

مریم ابراهیمی^۱

سید حمیدرضا علوی^۲

چکیده

شناخت‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه تعلیم و تربیت است. این تحقیق با هدف بررسی و تبیین شناخت‌شناسی و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه قرآن کریم - عالی‌ترین منبع استخراج موضوعات مرتبط با فلسفه تربیتی اسلام و تعلیم و تربیت اسلامی - انجام گرفته است. نتایج تحقیق پیش‌رو که با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، مبین آن است که قرآن کریم جایگاه فوق‌العاده‌ای برای علم و شناخت قائل است؛ به همین دلیل معلمان را مورد تکریم قرار داده و شاگردان را می‌ستاید. قرآن کریم، ضمن اشاره به حواس و قلب به عنوان ابزارهای شناخت، حواس را در صورت به کارگیری صحیح، زمینه‌ساز تصفیه قلب دانسته و در این راستا بر روش‌های آموزشی که منجر به تقویت و به کارگیری بیشتر این ابزارها می‌گردد، تأکید کرده است. این تحقیق، تفکر را زیربنای روش‌های آموزشی قرآن کریم می‌داند.

واژگان کلیدی: شناخت، علم، تعلیم و تربیت، قرآن کریم.

۱. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (نویسنده مسئول) / Ebrahimi1865@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان / Hralavi@mail.uk.ac.ir

۱- مقدمه

فلسفه دانشی جامع و ژرف است که آدمی به واسطه چنین دانشی عالم را آن‌گونه که هست، می‌بیند. می‌توان فلسفه را به‌عنوان یک «رشته»، یک «روش»، یک «فعالیت» یا «روح فلسفی» و یا مجموعه‌ای از موارد مذکور در نظر گرفت که در هر مورد، تعریف خاص خود را خواهد داشت. اگر فلسفه را یک «رشته» بدانیم، متشکل از شاخه‌های هستی‌شناسی (Ontology) و انسان‌شناسی (Anthropology) به‌عنوان زیرمجموعه آن، شناخت‌شناسی (Epistemology) و ارزش‌شناسی (Axiology) خواهد بود (علوی، ۱۳۸۶، صص ۱۷-۲۱).

این تحقیق در شاخه شناخت‌شناسی صورت گرفته است. از آنجا که قرآن کریم کاملترین برنامه و کتاب تربیتی از طرف خالق بشر، برای بشر است و انسان‌ها امروزه بیش از هر زمان دیگری در معرض شبهات و تبلیغات گمراه‌کننده دشمنان قرار دارند؛ بنابراین تمسک به این کتاب آسمانی ضروری‌تر است. گرچه در خصوص شناخت‌شناسی در قرآن تحقیقات ارزنده‌ای صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد این تحقیق، به دلیل توجه بیشتر و تکیه گسترده‌تر به دلالت‌های تربیتی به گونه‌ای جامع‌تر است. مسأله اصلی تحقیق این است که شناخت‌شناسی در قرآن چگونه است؟ و چه اهمیتی دارد؟ ابزارها، منابع و موانع شناخت از منظر قرآن کریم کدامند؟ و شناخت تا چه حدی امکان‌پذیر است؟ بر این اساس، در حوزه دلالت‌های تربیتی روش‌ها، محتوای آموزشی، راه بر طرف نمودن موانع شناخت و... براساس آیات شریفه قرآن مطرح و مورد بررسی واقع گردیده‌اند.

۲- شناخت‌شناسی در قرآن

۲-۱- قرآن کریم و امکان شناخت

در قرآن بحثی از وجود یا عدم وجود جهان خارج به چشم نمی‌خورد، اما از آیاتی که جهان خلقت را وصف می‌نمایند، می‌توان پی به وجود خارجی جهان خلقت برد؛ بحثی تحت این عنوان که «آیا شناخت امکان‌پذیر است؟» در قرآن موضوعیت ندارد، زیرا اولاً آن‌قدر آشکار و بدیهی است که جایی برای طرح آن باقی نمی‌ماند و ثانیاً وقتی آیات متعددی پیرامون علم و ارزش آن وجود دارد، دیگر جایی برای طرح این سؤال و پاسخگویی به آن باقی نمی‌ماند.

علاوه بر این، قرآن هیچ‌گاه انسان‌ها را به یک امر ناممکن دعوت نمی‌کند (Alavi, ۲۰۰۶). اگر شناخت ممکن نبود، قرآن از تقلید کورکورانه نهی نمی‌نمود؟^۱ و عالمان را با غیر عالمان مقایسه نمی‌نمود؟^۲ اگر شناخت ممکن نبود، قرآن از تدبر در آیات، سخن به میان نمی‌آورد؟^۳ و سخن گفتن از تعلیم، در قرآن چه جایگاهی می‌توانست داشته باشد؟^۴

۲-۲- جایگاه شناخت در قرآن کریم

حدود ۷۳۰ آیه از آیات قرآن مسأله شناخت را با تمام ابعادش مطرح نموده‌اند (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۱۵). فراوانی آیات و تأکید آن‌ها بر مسأله شناخت، بیانگر اهمیت موضوع است. خداوند در کتاب تربیتی‌اش، قرآن، بارها خود را به‌عنوان اولین معلم بشریت معرفی نموده است^۵ و قلم را به‌عنوان یکی از لوازم مورد نیاز در مسیر کسب علم، شایسته سوگند دانسته است.^۶ پیامبر (ص) اولین معلم قرآن برای بشریت بودند^۷ علاوه بر ایشان، ائمه اطهار و حتی جبرئیل در مقام تعلیم برآمدند.^۸ از عظمت این معلمان بزرگ بشریت، می‌توان پی به ارزش و جایگاه شناخت برد. در بیان فضیلت شناخت همین بس که اگر چیزی برتر از مقام علم بود، خداوند آن را سبب تقدّم و برتری انسان بر ملائکه می‌دانست (بقره: ۲ / ۳۱) و در آغازین آیات نازل‌شده بر پیامبر (ص) از آن سخن به میان می‌آورد (علق: ۹۶ / ۵-۱).

۱. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء: ۳۶ / ۱۷). «و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدانها علم نداری، پیروی مکن».
۲. ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر: ۹ / ۳۹). «کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟».
۳. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ...﴾ (ص: ۲۹ / ۳۸). «کتابی گرانقدر به سوی تو فرو فرستاده است تا همگان در آن بیاندیشند...».
۴. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا... وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۲ / ۶۲). «اوست که در میان مردم عرب که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت... و قرآن و معارف آن را به ایشان می‌آموزد».
۵. ﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن: ۴ / ۵۵). «به او سخن گفتن را تعلیم داد تا اندیشه و احساس خود را آشکار سازد».
۶. ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم: ۱ / ۶۸). «نون، سوگند به قلم و آنچه با قلم می‌نویسند».
۷. ﴿وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲ / ۱۵۱). «و کتاب آسمانی و معارف آن را به شما می‌آموزد و آنچه را که نمی‌توانستید دریابید، به شما تعلیم می‌دهد».
۸. ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى﴾ (نجم: ۵ / ۵۳). «آن فرشته برخوردار از نیروهای سخت و پایدار، قرآن را بدو آموخت».

۲-۳- ابزارهای شناخت در قرآن کریم

۲-۳-۱- حواس

بررسی و تأمل در آیات قرآن، انسان را به وضوح به ابزارهایی چون حواس و قلب رهنمون می‌سازد.^۱ آگاهی و شناختی که حواس به انسان می‌دهند، در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد تا اینکه استدلال و منطق کار خود را به احسن وجه انجام داده و ابزاری چون قلب پا به عرصه می‌گذارد و اینجاست که شناخت قلبی، به صورتی عمیق شکل می‌گیرد. این شناخت درونی، در فضایی گسترده‌تر و عمیق‌تر از شناخت حسی شکل می‌گیرد و بسیار بنیادین است. از میان حواس پنج‌گانه در مسیر شناخت، گوش و چشم از وسعت آگاهی بیشتر و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و اشاره‌های مکرر قرآن بر این دو، بر اهمیت موضوع می‌افزاید.^۲ قرآن علاوه بر حواس شنوایی و بینایی، به حواس بویایی^۳ و چشایی^۴ اشاره نموده است.

۲-۳-۲- قلب

یکی دیگر از ابزارهای شناخت قلب است. واژه «أَفْتِدَة» (قلب) در بسیاری از آیات قرآن پس از واژه‌های «سمع» و «ابصار» به کار رفته است. بررسی این آیات، نشان می‌دهد که از نظر قرآن، قلب نیز همانند گوش و چشم از جمله ابزارهای شناخت است. منظور از قلب، قلب گوشتی نیست؛ بلکه قلب، همان جان و حقیقت آدمی و مرکز تصدیق و تشخیص حق و باطل است که به واسطه آن، افراد می‌توانند از تذکر قرآن بهره‌مند شوند^۵ (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۲۱۷).

۱. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَّا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْتِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۱۶/۷۸) «و خداست که شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد تا حقایق را درک کنید، باشد که سپاس بگزارید».
۲. «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان: ۲/۷۶) «ما انسان را از نطفه‌ای با اجزای به هم آمیخته آفریدیم و او را از صورتی دیگر در آوردیم و او را شنوا و بینا ساختیم».
۳. «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَفْتَدُونِ...» (یوسف: ۹۴/۱۲). «هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان گفت: «من بوی یوسف را احساس می‌کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید!».
۴. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا ... وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (انفال: ۵۰/۸). «ای کاش می‌دید زمانی را که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند... به آنان می‌گویند: عذاب آتش سوزان را بچشید».
۵. «همانا در این حقایقی که از روز رستاخیز و سرگذشت امت‌های گذشته بر شمردیم، برای کسی که دلی اندیشمند دارد یا کسی که به سخن حق گوش فرا می‌دهد و در این فضا حضور دارد، تذکر و عبرتی است».

به بیان امام کاظم (ع)، منظور از قلب در آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۷/۵۰)، «عقل» است. یعنی انسان صاحب اندیشه و عقل، متنبه می‌شود و از راه خطا باز می‌گردد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص ۲۰۷). غالباً شناختی که با قلب صورت می‌گیرد، تبدیل به یقین می‌گردد و دخل و تصرف و ایجاد تغییر در آن، دشوار به نظر می‌رسد. به همین علت است که امام صادق (ع) محو کوه‌ها را آسان‌تر از انتقال قلبی از جای خود دانستند (ابن شعبه، ۱۳۸۶، ص ۶۴۷) و یا امام علی (ع) از دست دادن چشم سر را آسان‌تر از نابودی چشم دل تلقی می‌نماید (حکیمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۰).

۲-۴- قرآن کریم و منابع شناخت

۲-۴-۱- آیات آفاقی و انفسی

نخستین منبع شناختی که حتی از دوران کودکی توجه انسان را به خود جلب می‌نماید طبیعت است. توجه و تفکر پیرامون نشانه‌های الهی در گستره هستی، زمینه‌ساز شناخت گسترده و ژرفی در انسان می‌گردد، چرا که تمامی آفریده‌های خداوندی، جلوه و نمادی اندک از علم بی‌پایان، قدرت و حکمت ازلی، زیبایی و زیباآفرینی اویند و یادآور لطف و عنایت خدای سبحان در حق بندگان هستند؛ به همین جهت است که علاقه به پرستش و تعظیم در برابر او در انسان به ظهور می‌رسد و انسان با دیدن نشانه‌های الهی سر تعظیم در برابر او فرود می‌آورد. تفکر در آیات الهی در پهنه هستی، منجر به شناخت می‌شود؛ شناختی که لزوم سجده را واجب می‌نماید. در بیش از ۷۵۰ آیه قرآن، به پدیده‌های طبیعی اشاره شده است. قرآن طبیعت را نشانه حق تعالی می‌داند. بر این اساس، طبیعت‌شناسی به‌منزله آیت‌شناسی است و باید انسان را به صاحب آن آیت رهنمون گردد (گلشنی، ۱۳۷۵، ص ۳۵). آفرینش آسمان‌ها و زمین، رفت‌وآمد شب و روز (آل عمران: ۱۹۱/۳)، نزول باران از آسمان و سرسبزی زمین (انعام: ۹۹/۶)، میوه‌های رنگارنگ، کوه‌ها به‌صورت رشته‌هایی راه راه، با رنگ‌های مختلف، سفید، سرخ و سیاه (فاطر: ۲۵/۳۵) ستارگان آسمان و علامت بودنشان در تاریکی‌های خشکی و دریا (انعام: ۹۷/۶)، همگی جلوه‌ای از عظمت و خلقت حکیمانه اویند. قرآن نه فقط آیات الهی در گستره هستی (آیات

آفاقی)، بلکه آیات الهی در وجود خود انسان (آیات انفسی) را برای اهل بصیرت، معرفت‌آفرین می‌داند.^۱

۲-۴-۲- تاریخ

گردش در زمین و دیدن سرنوشت گذشتگان به‌منظور عبرت‌پذیری از آنان، یکی دیگر از منابع شناخت است که مورد تأکید قرآن است. امر به گردش در زمین و مطالعه احوال گذشتگان^۲ و سرزنش کسانی که از این امر مهم غفلت می‌ورزند بدین جهت است که آنان، فرصت بیدار شدن دل و داشتن گوش حق شنو را از دست می‌دهند و بدین ترتیب، گاهی در برابر حقایق، لجوج و سرسخت می‌گردند.^۳

قرآن از مخالفان می‌خواهد که به‌جای تعصبات کور و خیالات واهی، واقع‌بینانه در زمین سیر کنند تا به چشم خود ببینند که عاقبت اقوام پیشین، پادشاهان ستمگر و تمدن‌های مختلف بشری چه شد؟ کجایند کسانی که آیات خدا را دروغ شمردند؟ (آل‌عمران: ۳/ ۱۳۷)، یا مجرمانی که آخرت را تکذیب کردند؟ (نمل: ۲۷/ ۶۹) و یا مفسدانی که بر سر راه مؤمنان، مانع ایجاد نمودند؟ (اعراف: ۷/ ۸۶)

۲-۴-۳- مکاشفه

مکاشفه به معنای ظاهر و آشکار شدن اسرار امور غیبی در دل کسی و الهام آن به وی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۴۳۷). اینکه خداوند به حضرت ابراهیم، ملکوت آسمان‌ها و زمین یعنی وجود ربطی آن‌ها به خدا را نشان می‌دهد تا حقایق را دریابد و به یقین برسد، حضرت یعقوب را قادر می‌سازد تا بوی یوسف را از پیراهنش از حوالی مصر استشمام کند (یوسف: ۱۲/

۱. ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات: ۵۱ / ۲۰-۲۱). «و در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی بر یگانگی خداست و در خود شما نیز نشانه‌های روشنی بر یکتایی خداست، پس چرا نمی‌بینید و در نمی‌یابید؟».
۲. ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (عنکبوت: ۲۹ / ۲۰)؛ «بگو در زمین گردش کنید».
۳. ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا﴾ (حج: ۲۲ / ۴۶)؛ «پس آیا کسانی که تو را تکذیب می‌کنند در زمینی گردش نکرده و با دیده عبرت به این ویرانه‌ها ننگریسته‌اند تا برایشان دل‌هایی پدید آید که با آنها در فرجام کفر و شرک بیندیشند یا گوش‌هایی که با آنها حقایق را بشوند و ایمان بیاورند».
۴. ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (انعام: ۷۵ / ۶)؛ «و بدین سان به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمینی را نشان دادیم».

۹۴). نیز حضرت محمد (ص) را در شب معراج، به آسمان‌ها عروج می‌دهد تا چیزهایی را ببیند که هر کسی قادر بر دیدن آن‌ها نیست.^۱ اینها همگی از مصادیق مکاشفه یا شهود به‌عنوان یکی از منابع شناخت، از دیدگاه قرآن محسوب می‌شوند.

۲-۵- قرآن کریم و حدود شناخت

انسان محدودیت‌هایی دارد که به‌واسطه آن‌ها، نسبت به شناخت تا حد و حدودی معین، می‌تواند پیش رود. یکی از چیزهایی که در زمان پیامبر (ص) سؤال می‌شد، روح بود. خداوند به پیامبرش فرمود: «به مردم بگو روح از امر پروردگار من است. شما توانایی درک حقیقت آن را ندارید زیرا به شما جز اندکی از دانش نداده‌اند».^۲ مرگ، پدیده‌ای است که اطلاع و آگاهی انسان نسبت به آن محدود است و هیچ‌کس نمی‌داند که چه وقت، در کجا و در چه حالتی خواهد مُرد.^۳ انسان حتی در شناخت عمیق این دنیا، از خود غفلت و ناتوانی نشان داده است.^۴ فهم حمد و تسبیح موجودات این عالم،^۵ ندانستن حکمت امور^۶ از دیگر مواردی هستند که بر محدودیت قدرت شناخت انسان، دلالت دارند.

۲-۶- قرآن کریم و موانع شناخت

از همه آنچه که ابزارهای شناخت را به بند می‌کشد و بر آن‌ها پرده و حجاب می‌افکند، می‌توان به‌عنوان موانع شناخت یاد کرد.

۱. ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾ (اسراء: ۱/۱۷)؛ «منزه است خدایی که بنده‌اش را شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش برکت دادیم، سیر داد».
۲. ﴿وَمَا أَوْتَيْنَا مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء: ۸۵/۱۷)؛ «و به شما از دانش جز اندکی نداده‌اند».
۳. ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾ (لقمان: ۳۴/۳۱)؛ «و هیچ‌کس در نمی‌یابد که در چه سرزمینی خواهد مرد».
۴. ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾ (روم: ۷/۳۰)؛ «آنان ظاهری از حیات دنیا را می‌شناسند...».
۵. ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ (اسراء: ۴۴/۱۷)؛ «و هیچ چیزی نیست مگر اینکه خدا را تسبیح می‌گوید».
۶. ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ...﴾ (یونس: ۳۹/۱۰)؛ «آنان چون به علم آن احاطه نیافتند و هنوز حقیقت و خاستگاه آن که در آخرت آشکار می‌شود به ایشان نرسیده است، تکذیبش کردند».

عدم حمایت از جبهه حق^۱، دنیادوستی^۲ از جمله مهمترین موانع شناخت هستند که قرآن بر آنها تأکید می‌کند. گناه نیز باعث غیرفعال شدن ابزارهای شناخت می‌گردد؛ زیرا کسی که خدا را فراموش کند و به راحتی تن به گناه دهد و خدا را نافرمانی کند، خداوندی که خالق گوش است، گوش باطن و حق شنوی او را کر می‌نماید. او چشم دارد، اما حقایق را نمی‌بیند. قلب دارد، اما چه سود که زنگار گرفته و آلوده است.^۳

۳- دلالت‌های تربیتی

از آنجا که در مبحث «شناخت‌شناسی» از امکان، جایگاه و ارزش و اهمیت شناخت بر اساس آیات قرآن، سخن به میان آمد، در این قسمت از دو عنصر اصلی امر تعلیم و تربیت یعنی معلم و شاگرد و در واقع از مقام و منزلت معلم و جایگاه شاگرد بر اساس آیات قرآن، بحث شده است. همچنین به موازات بحث پیرامون ابزارهای شناخت، روش‌های آموزشی مورد تأکید قرآن، و به موازات بحث پیرامون منابع شناخت، محتواهای آموزشی مطرح گردیده‌اند و در نهایت چون از حدود شناخت و موانع ایجاد آن بر طبق آیات قرآن سخن به میان آمد، در این قسمت، طریقه تحصیل شناخت و در واقع راه‌های برطرف نمودن موانع آن، مطرح شده‌اند.

۳-۱- مقام و منزلت معلم

قرآن از ارزشمندی علم سخن گفته و معلم را ستوده است؛ که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌گردد:

۱. ﴿... رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه: ۹/ ۹۳). «آنان به این خشنودند که با خانه‌نشینان باشند و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است؛ از این روست که نمی‌دانند».
۲. ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (نحل: ۱۶/ ۱۰۷-۱۰۸). «بدان سبب است که آنان با شیفتگی زندگی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح داده‌اند ... کسانی‌اند که خدا بر دل‌ها و گوش‌ها و دیدگانشان مهر نهاده؛ از این رو نه برهانی را درک می‌کنند و نه اندرزی را می‌شنوند و نه نگاهی عبرت‌آمیز دارند، اینانند که از سرای آخرت بی‌خبرند».
۳. ﴿... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا...﴾ (اعراف: ۷/ ۱۷۹). «...آنان را دل‌هایی است که حقیقت را در نمی‌یابند و دیدگانی است که آیات حق را نمی‌بینند و گوش‌هایی است که حق را نمی‌شنوند».

۳-۱-۱- قرآن فرد عالم را زنده‌کننده جان همه مردمان می‌داند.^۱ حضرت صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: «هر که جانی را از گمراهی به راه‌یافتگی برآورد، مانند این است که آن را زنده کرده است و هر که جانی را از راه‌یافتگی به گمراهی بیرون برد، در حقیقت آن را کشته است» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۷).

۳-۱-۲- دانشمندان با افراد ناآگاه و جاهل مساوی نیستند (زمر: ۳۹ / ۹). قرآن افراد آگاه را «بینا» و افراد ناآگاه و جاهل را «نابینا» معرفی نموده و درصدد مقایسه آنان برآمده است (انعام: ۵۰ / ۶). در جای دیگر خود به صراحت از اهل علم، حمایت نموده و به این پرسش پاسخ داده است.^۲

۳-۱-۳- دانشمندان، درجه رفیعی دارند و این رفعت را خدای سبحان به آنان بخشیده است.^۳ از این آیه می‌توان فهمید که ایمان و علم، ملاک برتری افراد نسبت به یکدیگر محسوب می‌شوند.

۳-۱-۴- از میان بندگان خدا، افراد آگاه و عالم هستند که از خدا می‌هراسند و در برابر او خشوع می‌ورزند.^۴ حضرت صادق (ع) ضمن اینکه ترس از خدا را به عنوان میراث دانش معرفی می‌نماید، کسی را دانشمند می‌نامد که کردارش، گفتارش را تایید کند؛ که در غیر این صورت، دانشمند نیست. به فرموده ایشان «برای ترس از خدا، دانش کافی است. از منظر ایشان، خداشناس‌ترین مردم، خدا ترس‌ترین آنهاست و خدا ترس‌ترین آنها، خداشناس‌ترین آنهاست و خداشناس‌ترین مردم، بی‌اعتنا ترس‌ترین آنهاست به دنیا» (نوحه‌خوان، ۱۳۸۶، صص ۳۴۴-۳۴۵).

۱. ﴿مَنْ أَجْلُ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده: ۳۲ / ۵)؛ «هرکس فردی را بی آن که مرتکب قتل شده یا در زمین فساد برانگیخته باشد، بکشد مانند آن است که همه مردم را کشته است، و هرکس فردی را زنده بدارد مانند آن است که همه مردم را زنده نگه داشته است».

۲. ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ (فاطر: ۱۹ / ۳۵)؛ «کافران کورند و مومنان بینا، و کور و بینا برابر نیستند».

۳. ﴿... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ (مجادله: ۱۱ / ۵۸)؛ «خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند، یک درجه و کسانی را که علاوه بر ایمان، دانش نیز به آنان داده شده است چندین درجه بالا می‌برد».

۴. ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸ / ۳۵)؛ «از میان بندگان خدا، تنها عالمانند که از خدا می‌هراسند».

۳-۱-۵- مرگ عالم، ضایعه بزرگ است. قرآن به صورت غیرمستقیم به پدیده مرگ اشاره نموده است.^۱ «آیا ندیده‌اند که ما به سراغ زمین می‌آییم و از اطرافش، آن را می‌کاهیم (جان آدمیان را می‌ستانیم)». امام صادق (ع)، کاستن اطراف زمین را به از دست رفتن علما تفسیر فرموده‌اند (نوحه‌خوان، ۱۳۸۶، ص ۳۴۱).

۳-۱-۶- شهادت و گواهی اهل علم دارای اعتبار است. قرآن به عالم دین‌شناس، اعتبار بخشیده و نام آنان را در ردیف نام خود و فرشتگان آورده است.^۲

۳-۲- جایگاه علم آموز

در راستای ارزشمندی علم، جوینده علم نیز دارای جایگاه ارزشمندی می‌شود. علی (ع)، جوینده علم را مانند مجاهد در راه خدا معرفی می‌نمایند: «الشَّائِخِصْ فِي طَلْبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۱) و رسول خدا (ص) از گستردگی بال ملائک برای او گفته و حرکت وی از خانه‌اش برای جستجوی علم را موجب گشودن راهی به سمت بهشت برای وی می‌دانند (ابن بابویه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

۳-۳- قرآن کریم و روش‌های آموزشی

۳-۳-۱- مشاهده

۳-۳-۱-۱- مشاهده جلوه‌های قدرت الهی در طبیعت و انسان

توجه نمودن و با دقت نگریستن در زیبایی‌های طبیعت و عظمت آفرینش خداوندی، از روش‌های آموزشی قرآن در راستای تقویت حواس و استفاده مناسب از آن است. قرآن، انسان را به صراحت به دوباره نگریستن و یا با دقت نگریستن دعوت نموده است.^۳ روش آموزشی «مشاهده» نه تنها حواس انسان را تقویت می‌نماید، بلکه عقل را نیز فعال می‌کند، زیرا مشاهده،

۱. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...» (رعد: ۴۱ / ۱۳)؛ «آیا ندیده‌اند که ما به سراغ زمینی می‌آییم و از اطرافش آن را می‌کاهیم».

۲. «نَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...» (آل عمران: ۱۸ / ۳)؛ «خداوند گواهی داده است که معبودی شایسته پرستش جز او نیست، فرشتگان و عالمان نیز بر آن گواهی داده‌اند».

۳. «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (ملک: ۳ / ۶۷)؛ «باز چشم به سوی آفریده‌ها برگردان و با دقت به آنها بنگر، آیا خلل و نقصانی در آنها می‌بینی؟».

زمینه‌ساز تفکر و اندیشه‌ای است که عقل انسان را شکوفا می‌گرداند.^۱ چرا خداوند در قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که نعمت‌های الهی بر خودشان را به یاد آورند؟ (فاطر: ۳/۳۵) و چرا خود قرآن، نعمت‌های الهی را در مورد انسان، که همگی بیانگر جایگاه و منزلت آدمی هستند، یادآور می‌شود؟^۲ زیرا نه تنها مشاهده جلوه‌ها و نشانه‌های عظمت خداوندی، بلکه یادآوری آن‌ها، زمینه رشد آدمی را در پرتو تدبر و تفکر و تعقل فراهم می‌سازد. علاوه بر این، تفکر در مورد گذشته خویش، سختی‌ها و مشکلات پیشین و یادآوری عنایات خداوندی در حق خود، منجر به بینشی عمیق در انسان می‌گردد؛ زیرا این‌گونه دیدنی که منجر به تفکر می‌گردد، در واقع بصیرت‌آفرین است. بر این اساس می‌توان گفت زیربنای روش‌های آموزشی قرآن، وادار نمودن فرد به تفکر، تعقل و تدبر است تا از این طریق، به حقیقت دست یابد و آنچه برایش مبهم است، روشن گردد و جواب بگیرد. وادار کردن فرد به تفکر و تعقل در ابتدایی‌ترین صورت خود، از طریق مشاهده رخ می‌دهد و در سطوح بالاتر به وسیله راه‌های دیگر که به آن‌ها اشاره خواهد شد، محقق می‌گردد.

۳-۳-۱-۲- ایجاد صحنه‌های ساختگی تفکر آمیز

فراهم آوردن فرصت تفکر و تعقل، از طریق ایجاد یک صحنه ساختگی نیز در قرآن به چشم می‌خورد. شکستن بت‌ها و گذاشتن تبر بر دوش بت بزرگ در داستان حضرت ابراهیم (ع)، نمادی از فراهم آوردن چنین فرصت و شرایطی برای مردمی است که چشمشان از دیدن واقعیات، کور و فکرشان تعطیل گردیده است (انبیاء: ۲۱/۵۲-۶۹).

۳-۳-۱-۳- ارائه نمایشی مؤثر برای الگوبرداری علم‌آموز و استفاده در عمل

نوعی دیگر از روش آموزشی مشاهده، ارائه نمایشی مؤثر از طرف معلم (خداوند) برای شاگرد است تا از آن الگوبرداری لازم را به عمل آورد و به عبارت دیگر، آن را در عمل مورد استفاده قرار دهد. جلوه‌ای از این روش آموزشی، در داستان دو پسر حضرت آدم (ع) به چشم

۱. ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران: ۳/۱۹۰)؛ «همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در کاستی و فزونی شب و روز نشانه‌هایی است این نشانه‌ها را خردمندان در می‌یابند».

۲. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ (اسراء: ۱۷/۷۰)؛ «و بنی آدم را گرامی داشته و آنان را در دریا بر کشتی‌ها و در خشکی بر مرکب‌ها سوار نموده و از خوراکی‌های مطبوع روزی دادیم».

می خورد (مائده: ۵/ ۲۷-۳۱). در اینجا خداوند کلاغ را مأمور کرد تا خاکسپاری هابیل را به قایل پیاموزد.

۳-۱-۳-۴- معرفی اسوه‌ها و الگوهای واقعی

قرآن در آیات متعددی انسان‌ها را امر به مطالعه و مشاهده تاریخ گذشتگان نموده است.^۱ در ضمن برخی از آیات که یادآوری پیامبران پیشین و قوم آن‌هاست، گاهی پیامبری به خاطر برخی از ویژگی‌هایش ستوده شده است. «داوود بسیار رجوع کننده به خداوند بود» ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص: ۳۸/ ۱۷). همچنین سلیمان (ص: ۳۸/ ۳۰)، ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام (ص: ۳۸/ ۴۵)؛ البته همگی «آن‌ها در اطاعت از خداوند و رساندن خیر به مردمان، نیرومند بودند و در راه یابی به باورهای درست و کارهای شایسته، تیزبین بودند» (ص: ۳۸/ ۴۵). گاهی در برخی از آیات، ویژگی‌های یک گروه که می‌توانند به‌عنوان الگو مطرح باشند، بیان گردیده است (فرقان: ۲۵/ ۶۳-۷۷). معرفی خصوصیات اسوه‌ها گاهی هم معرفی خود آن‌ها به‌عنوان یک مثال و یک نمونه کامل انسانی، مرتبط با روش مشاهده به‌عنوان یکی از روش‌های آموزشی قرآن است.^۲ در تمامی آیات مذکور، چه آن‌ها که ویژگی یک پیامبر را مطرح کرده و چه آن‌ها که ویژگی‌های گروهی برجسته را بیان کرده‌اند و چه آیاتی که تصریح به الگو بودن یک شخصیت شده است، روش آموزشی مشاهده جهت الگوبرداری وجود دارد. قبلاً ذکر شد که زیربنای تمامی روش‌های آموزشی قرآن، وادار نمودن فرد به تفکر است. تا بدین جا همه آنچه که در خصوص روش‌های آموزشی قرآن مطرح گردید، مرتبط با روش مشاهده بود که در وهله اول مستلزم استفاده مناسب از حواس و در وهله بعد موجب شکوفایی عقل می‌گردید.

۳-۲- شیوه سخن گفتن

در قرآن کریم برای «چگونگی سخن گفتن» جایگاه بسیار خاصی قائل شده و آن را عامل شکوفایی عقل و قلب دانسته است. برخی از آیات قرآن، حاوی سخن گفتن عاطفی و نزدیک

۱. ﴿وَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً...﴾ (فاطر: ۳۵/ ۴۴)؛ «آیا در

زمین سیر نکردند تا دریابند که فرجام امت‌هایی که پیش از ایشان می‌زیستند و بسیار نیرومندتر بودند، چگونه شد.»

۲. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ (احزاب: ۲۱/ ۳۳)؛ «در رسول خدا اقتدای نیکویی برای شماست.»

خدای متعال است.^۱ نیز در مقام تعلیم بشر از روش موعظه استفاده نموده است.^۲ در قرآن کریم گاهی سخن، رنگ صراحت‌گویی و حتی سرزنش به خود گرفته است؛ آنگاه که خداوند با مخالفان سخن گفته است^۳ یا روی سخن با دوستانی است که در مسیر زندگی خویش دچار غفلت می‌شوند و با گناه قرین می‌گردند.^۴ گاهی کلام با عبارتی که مورد توجه شنونده است، تزیین گردیده است. عبارتی که شنونده نسبت به دانستن آن حریص است و مایل است در مورد آن اطلاعاتی کسب نماید.^۵ گاهی روان‌شناسانه^۶، گاهی آمرانه^۷، گاه از موضع قدرت^۸ و گاهی هم بیدارگر و بصیرت‌بخش.^۹

۳-۳-۳- گفتگو

از برخی آیات قرآن، می‌توان روش آموزشی گفتگو را استخراج نمود که در آن هم معلم فعال است و هم شاگردان. در واقع معلم فرصتی را فراهم آورده تا ضمن گفتگو، نیروی تفکر شاگردان به مددشان آید و آنان خودشان به پاسخ مسأله موردنظر، دست یابند. طرف گفتگو می‌تواند از جبهه حق یا باطل باشد. از این روش آموزشی قرآن، به سؤال و جواب و یا پرسش و پاسخ تعبیر می‌گردد. شأن نزول آیات و داستان‌های قرآنی مملو از به‌کارگیری این شیوه آموزشی است. در داستان حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام این روش آموزشی مشهود است (کهف: ۱۸/ ۶۶-۸۲). روش آموزشی پرسش و پاسخ، به‌روشنی در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است (کریمی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۶۵۳) خداوند در آیات متعددی از قرآن به پیامبرش می‌آموزد که در مقام پاسخگویی به سؤالات مردم، به آنان پاسخی متناسب دهد؛ آنجا که مردم در مورد هلال

۱. ﴿نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (حجر: ۴۹ / ۱۵)؛

۲. ﴿يَعْظُمُ اللَّهُ...﴾ (نور: ۱۷ / ۲۴).

۳. ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ...﴾ (آل عمران: ۸۳ / ۳).

۴. ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یس: ۶۰ / ۳۶).

۵. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعًا...﴾ (فاطر: ۱ / ۳۵).

۶. ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمَ مَا تُوسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ۱۶ / ۵۰).

۷. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره: ۱۶۸ / ۲).

۸. ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ (مؤمنون: ۱۱۶ / ۲۳).

۹. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَيَّ اللَّهُ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ (فاطر: ۱۵ / ۳۵).

ماه، یتیمان، حلال‌ها، قیامت و ... از تو سوال می‌کنند (ر.ک. بقره: ۱۸۹ / ۲؛ بقره: ۲۲۰ / ۲؛ مائده: ۵ / ۴؛ اعراف: ۱۸۷ / ۷).

۳-۳-۴- تلفیق مشاهده و گفتگو

۳-۳-۴-۱- داستان‌گویی

در بسیاری از سوره‌های قرآن، داستان‌های پیامبران مطرح شده است؛ برای نمونه، تنها نام حضرت موسی (ع) در سی و چهار سوره از قرآن آمده است. قصه‌گویی و بیان سرگذشت پیامبران و حتی غیرپیامبران از جمله شیوه‌های آموزشی قرآن است که تلفیقی از روش آموزشی گفتگو و ترسیم شرایط برای مشاهده، به منظور بیداری عقل و قلب است که بسیار، مؤثر و کارساز است.

۳-۳-۴-۲- تمثیل

گاهی در پرتو بیان حکایت، سرگذشت، قصه و یا جریانی در قرآن از مثلی متناسب بهره گرفته شده است. به‌طور نمونه، مثل اعمال کفار به خاکستر تشبیه شده‌اند (ابراهیم: ۱۸ / ۱۴). در آیه‌ای دیگر، کسانی که غیر خدا را به سرپرستی گرفته‌اند، به‌مثل عنکبوتی می‌مانند که خانه‌ای برای خود ساخته‌اند؛ درحالی‌که سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است (عنکبوت: ۴۱ / ۲۹). خدای متعال مردم را به توجه نمودن به امثال دعوت نموده است (ر.ک. حج: ۷۳ / ۲۲)؛ زیرا توجه به مثل‌ها نیز حس «مقایسه» را در انسان به وجود می‌آورد و به این طریق، اسباب و وسایل بیداری را در انسان فراهم می‌آورد.

۳-۴- قرآن کریم و محتواهای آموزشی

قبل از این، از آیات آفاقی (طبیعت)، آیات انفسی (خود انسان)، تاریخ و مکاشفه، به‌عنوان منابع شناخت یاد گردید؛ در این قسمت با عنایت به منابع مذکور، محتواهای آموزشی مورد نظر قرآن مطرح گردیده‌اند. با توجه به اینکه زیربنای تمامی روش‌های آموزشی در قرآن، وادار نمودن فرد به تفکر معرفی گردید، آن دسته از محتواهای آموزشی می‌توانند مورد تأیید قرآن باشند که امکان تفکر را برای او در طبیعت، خود انسان و تاریخ فراهم آوردند و انسان را به‌گونه‌ای رشد و ارتقا دهند که نه تنها بیداری‌اش، بلکه خواب و استراحتش در مسیر کسب رضای الهی باشد و او را به سمتی پیش برند که اگر توان رسیدن به مکاشفه را ندارد، حداقل صفات خود را شبیه و نزدیک به صفات اولیاءالله و پیامبران و امامان نماید. برخی از محتواهای آموزشی که هم فرصت

تفکر را برای انسان فراهم می‌آورند و هم فرصت گشت‌وگذار در منابع شناخت مطروحه، بر اساس آیات قرآن عبارت‌اند از:

۳-۴-۱- قرآن و معارف عمومی

کلام خداوند در خصوص تفکر، تدبیر، تذکر و تعقل در قرآن، بیانگر اهمیتی است که قرآن بدانها داده است: ﴿لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۱۶ / ۴۴) ﴿لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾ (ص: ۳۸ / ۲۹)، ﴿وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور: ۲۴ / ۱) ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف: ۱۲ / ۲). خداوند کسانی را که در این کتاب آسمانی تدبیر نمی‌کنند، سرزنش می‌کند (محمد: ۴۷ / ۲۴). همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) از کسانی که قرآن را وانهادند، شکوه می‌نماید (فرقان: ۳۰ / ۲۵). تمامی آیات قرآن جنبه معرفتی و دینی دارند، برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۳-۴-۱-۱- عقاید

در قرآن، هیچ مسأله‌ای به اندازه توحید مورد تأکید قرار نگرفته است؛^۱ زیرا ایمان به خدای یکتا، پایه سایر مسائل اعتقادی است. در راستای اعتقاد به توحید است که علم خداشناسی^۲، پا به عرصه ظهور می‌گذارد و اصولی چون نبوت، امامت، عدل و معاد مطرح می‌گردد.

۳-۴-۱-۲- احکام

از جمله مسائلی که در راستای اعتقاد به اصول دین مطرح می‌شوند، فروع دین هستند. وقتی سخن از نماز، روزه، خمس، زکات و ... به میان می‌آید، بحث عمل به واجبات و ترک محرمات مطرح می‌گردد. قرآن سرشار از آیاتی است که در آنها کلیت احکام مطرح گردیده است. احکام وضو (مائده: ۶ / ۵)؛ احکام نماز (اسراء: ۷۸ / ۱۷)، احکام روزه (بقره: ۱۸۴ / ۲)، احکام خمس (انفال: ۴۱ / ۸)، احکام زکات (توبه: ۶۰ / ۹)، احکام حج (بقره: ۱۹۷ / ۲) و آیات احکام در مورد بسیاری از مسائل دیگر که طرح آنها در اینجا ممکن نیست.

۱. ﴿وَاللَّهُمُّ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۶۳ / ۲). «و معبود شما معبودی یگانه است که هیچ معبودی

شایسته پرستش جز او نیست، رحمت‌گر و مهربان است.»

۲. ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ (انعام: ۹۱ / ۶) «یهودیان خدا را چنان که در خور عظمت اوست، بزرگ نداشتند.»

۳-۱-۴-۳ اخلاق

تأکید قرآن بر نیکی به پدر و مادر، نهی از کشتن فرزندان به خاطر تنگدستی، نزدیک نشدن به کارهای زشت، قتل و... (انعام: ۶/ ۱۵۱-۱۵۲) دلالت بر اهمیت آموزش اخلاق می‌نماید. در دین اسلام تمسخر، طعنه و عیب‌جویی، فاش کردن عیوب، لقب و عنوان زشت دادن به دیگران (حجرات: ۴۹/ ۱۱)، بدگمانی، تجسس برای کشف عیوب مردم و غیبت کردن (حجرات: ۴۹/ ۱۲) به شدت محکوم و مرتکب آن مورد سرزنش است. از طرفی، رعایت حقوق دیگران اعم از خویشان، فقرا و بسیاری مسائل دیگر از جمله انتظارات و توقعات قرآن از افراد محسوب می‌شود.

۳-۲-۴-۳ جغرافیا

اهمیت شناخت مسیر^۱ و فلسفه پدیدآمدن راه‌ها^۲، از جمله مسائلی هستند که مرتبط با حوزه جغرافیا هستند. بر این اساس، فراگیری دانش جغرافیا با توجه به واقع شدن در عصر ارتباطات و امکانات موجود برای سفر به اقصی نقاط، در حد نیاز لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۳-۴-۳ مسائل اجتماعی

آیات شریفه قرآن پیرامون مسائل اجتماعی، نمادی از اهمیت این موضوع از منظر قرآن است و گنجاندن درس اجتماعی را در محتوای آموزشی مورد تأکید قرار می‌دهد. امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۳/ ۱۰۴)، انفاق (انفال: ۸/ ۴۱)، قرض الحسنه (تغابن: ۶۴/ ۱۷)، اتحاد (آل عمران: ۳/ ۱۰۳)، قصاص (بقره: ۲/ ۱۷۸) و وصیت (بقره: ۲/ ۱۸۰) تنها برخی از آن است.

۳-۴-۴-۳ آموزش دفاعی

قرآن همه قدرت را از آن خداوند می‌داند (بقره: ۲/ ۱۶۵) و تسلط کفار بر مؤمنین را به هیچ‌وجه برنمی‌تابد^۳؛ از همه مؤمنان می‌خواهد که برای مقابله با کافران، آنچه را که در توان دارند از نیروی

۱. ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (نحل: ۱۶/ ۱۶)؛ «نشانه‌هایی و ستارگان را پدیدآورد تا راه خود را دریابند».

۲. ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (انبیاء: ۲۱/ ۳۱)؛ «و در میان کوه‌ها راه‌هایی فراخ پدید آوردیم که آنان

به مقصد خود راه یابند».

۳. ﴿...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۴/ ۱۴۱)؛ «خداوند (روز قیامت) هرگز به سود کافران راهی بر

ضد مؤمنان قرار نخواهد داد».

رزمی و سایر ابزار جنگی فراهم آورند تا کسانی را که دشمن خدا و دشمن مؤمنان هستند، بدین وسیله بترسانند و اندیشه هجوم به مسلمانان را از آنان سلب نمایند.^۱

۳-۴-۵- علوم زیستی

مسائل مربوط به بُعد جسمانی انسان شامل مراحل آفرینش^۲، شگفتی‌های خلقت و نشانه‌های الهی در وجود او از گوش و چشم و قلب و... همگی در حوزه علوم زیستی قابل طرح هستند.

۳-۵- راهکار برطرف کردن موانع شناخت

تنها راه رسیدن به شناختی که منجر به حیات طیبه می‌گردد و تنها وسیله برطرف‌کننده موانع چنین شناختی، «تقوا» ست؛ تقوا در سایه تزکیه نفس حاصل می‌شود. وقتی تقوا در فرد ایجاد گردید، وی به بینش و بصیرتی دست می‌یابد که قدرت تشخیص حق از باطل را پیدا می‌کند؛^۳ زیرا در پرتو این تقوا خداوند او را به علم و شناخت حقیقی رسانده است.^۴ بر این اساس، هم تقوا منجر به شناخت می‌گردد و هم شناخت منجر به تقوا می‌شود.

نتیجه‌گیری

(۱) قرآن، شناخت را ممکن دانسته و به‌عنوان امری مقدس به آن می‌نگرد و ارزش شناخت را بالاتر از عبادت می‌داند.

(۲) حواس و قلب، ابزار شناخت هستند. قلب در صورتی می‌تواند فرد را به بلندای شناخت برساند که بیمار، گنه‌کار و مبتلا به آلودگی و زنگار نباشد.

۱. ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾ (انفال: ۸ / ۶۰)؛ «باید آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته فراهم آورید تا کسانی که دشمن خدا و شما را بترسانند...».

۲. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ...﴾ (حج: ۲۲ / ۵)؛ «ای مردم، اگر در رستاخیز مردگان تردید دارید، به آفرینش خود بنگرید؛ ما شما را از خاکی بی‌جان آفریدیم، آنگاه از نطفه و سپس از خون بسته شده و پس از آن از گوشتی جویده شده، با آفرینشی تمام و ناتمام».

۳. ﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال: ۸ / ۲۹). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهید».

۴. ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ﴾ (بقره: ۲ / ۲۸۲). «از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند احکام دین را به شما می‌آموزد».

۳) منظور از منابع طبیعی شناخت، آیات آفاقی، آیات انفسی و تاریخ است که از طریق حواس قابل شناخت هستند. مکاشفه یا شهود، منبع ماوراءالطبیعه‌ای است که از طریق قلب قابل شناخت است. از منظر قرآن، هستی و کائنات با همه گستردگی و عظمتش به‌عنوان یک منبع شناخت مطرح می‌گردد، همان‌گونه که نشانه‌های الهی در وجود خود انسان، منبعی دیگر است.

۴) در پی معرفی منابع شناخت، می‌توان محتوای آموزشی مورد نظر قرآن را استخراج نمود. محتوای آموزشی باید به‌گونه‌ای باشند که امکان تفکر را برای فرد در طبیعت، تاریخ و... فراهم آورند؛ زیرا عمر انسان محدود است و فرصت فراگیری تمامی علوم را ندارد. بنابراین لازم است به یادگیری علومی مشغول شود که برایش مفید است.

۵) معارف عمومی، تاریخ، جغرافیا، علوم زیستی و... برخی از محتوای آموزشی قرآن هستند. حمایت از باطل و ترک حق، دنیاپرستی و گناه، برخی از موانع شناخت هستند، که می‌توان به وسیله‌ی تقوا آن‌ها را برطرف نمود.

پیشنهادها

- ۱) همان‌گونه که خداوند به علم بها داده و آن را ارزشمند دانسته است، شایسته است اقدامات مؤثری از طریق وسایل ارتباط جمعی و... در جهت طرح و اثبات این ارزشمندی صورت گیرد.
- ۲) معلمان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت از روش‌های آموزشی که منجر به پرورش عقل و قلب می‌گردد، بهره‌گیرند و خود را محدود به روش‌های آموزشی کلیشه‌ای ننمایند.
- ۳) امکانات ویژه‌ای جهت ایجاد و گسترش روش آموزشی کار گروهی و پرسش و پاسخ در نظر گرفته شود تا کلاس درس روح تازه‌ای بیابد و معلم، متکلم وحده نباشد.
- ۴) مسئولان نظام آموزش و پرورش، محتوای آموزشی را متناسب با نیاز جامعه طراحی نمایند. به این منظور، لازم است کتب درسی به‌طور مستمر و دقیق بازنگری شوند.
- ۵) از آنجا که شناخت، امری دفعی نیست بلکه فرایندی است که به‌طور معمول در هر مقطع سنی آدمی قادر است به سطوحی از آن دست یابد، شایسته است که معلمان، انتظارات خود را متناسب با سن و سطح رشد فکری دانش‌آموزان قرار دهند؛ همان‌گونه که خداوند هیچ‌گاه تکلیف زیاده‌تر از وسع به بندگانش نداده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه: سید محمد رضا صفوی، ج ۲، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ ش.
۱. ابن شعبه، حسن بن علی؛ *تحف العقول*؛ ترجمه: صادق حسن‌زاده، ج ۷، قم: آل علی (ع)، ۱۳۸۶ ش.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *امالی*؛ ترجمه: کریم فیض، ج ۲، قم: چهارده معصوم (ع)، ۱۳۸۶ ش.
 ۳. جعفری، محمد تقی؛ *شناخت از دیدگاه علمی و دیدگاه قرآن*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله؛ *معرفت‌شناسی در قرآن*؛ ج ۶، قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش.
 ۵. حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی؛ *الحیة*؛ ترجمه: احمد آرام، ج ۱۰، قم: دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
 ۶. دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت‌نامه دهخدا*؛ ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
 ۷. علوی، سید حمید رضا؛ *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی تربیتی*؛ کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۶ ش.
 ۸. کریمی، محمود، *دایرة‌المعارف قرآن کریم*؛ ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
 ۹. گلشنی، مهدی؛ *قرآن و علوم طبیعت*؛ تهران: مطهر، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۰. محمدی ری‌شهری، محمد؛ *مبانی شناخت*؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۱. نوحه‌خوان، محمد حسین؛ *در مکتب امام جعفر صادق (ع)*؛ قم: مدین، ۱۳۸۶ ش.
12. Alavi, seyeyed Hamid Reza; *Shared Reigious Foundations of Education: Islam & Christianity*; Qum: Ansariyan, 2006.

